

نقد فرمایشات اعلیحضرت در

برنامه افق ایران

دوران گذار

(تسمت چهارم)

امیرفیض- حقوقدان

در این تحریر که تعلق به بیانات اعلیحضرت در برنامه «افق ایران» دارد موضوعات زیر محیط گفتگو خواهد بود:

- ۱- بدهکاری از تحریر قبل
- ۲- تقلب و جعل
- ۳- آقای درمانی
- ۴- دوران گذار
- ۵- اتهام وابستگی به جمهوری اسلامی

بدهکاری از تحریر قبل

در تحریر قبل در عنوان داخلی (علت، در بیان اعلیحضرت قانع کننده نیست) اشاراتی به میان آمد و قرار شد در تحریر دیگری جلد ابهام شکافته شود و علت بوجود آمدن صدای «افق ایران» گفته شود:

۱- وابستگی تمام عیار

وابستگی تمام عیار «افق ایران» به شورای تجزیه طلبان واجد این معناست که نمیتوان علت بوجود آمدن «افق ایران» را از علت وجودی شورای تجزیه طلبان جدا دانست.

بیانات اعلیحضرت نشان داد که هم شورای تجزیه طلبان خواست و اراده ایشان بوده و هم تاسیس «افق ایران». اساساً اول فکرو فعالیت سیاسی بوجود میآید و بعد ابزار آن از قبیل رادیو و امثال آن بکار گرفته میشود.

چنانکه اول شورای تجزیه طلبان تشکیل شد و بعد افق ایران راه افتاد. در همین روزها یک حزب جدید بنام حزب ندای ایرانیان بمدیریت خرازی در تهران تشکیل شده که با استفاده از نام ندا به تقویت جبهه اصلاح گران یعنی خاتمی و شیخ حسن ورفسنجانی پرداخته است و عجیب اینکه در بیانیه تاسیس حزب مزبور نیز از واژه «افق» استفاده شده است.

بحث انتخاب نام «افق ایران» در کنار افق آمریکا خود میتواند شنیدنی باشد ولی از موضوع این تحریر قدری دور بنظر میرسد ولی یقین بدانید که علت و فلسفه انتخاب نام «افق ایران» نشانگر نوعی همفکری و همراهی و هم رایی افق آمریکا و «افق ایران» است.

فرمایشات اعلیحضرت به اینکه ایرانی ها از من میخواستند که مستقیماً با من در تماس باشند و مسائلی از این رو، قشنگ و زیباست ولی در مقابل اسناد و شواهد عینی که دسترسی به آن همگانی است رنگ میبازد و این توجه را حضور اعلیحضرت تقدیم میکند که شفاف، شفاف گفتن چیز آلوده و ناپاک را پاک نمیکند.^۱

بفرمائید به اتفاق به اسناد رجوع کنیم

در تاریخ ۲۷ ماه می ۲۰۱۲ مجله نیروهای مسلح آمریکا وابسته به پنتاگون در مقاله ای بقلم آقای رالف پترس با عنوان مرزهای خونین نوشت:

«استقرار دموکراسی در جهان بدون تغییر در مرزهای کشورهای خاورمیانه امکان پذیر نیست.» نویسنده مقاله که یکی از استراتژیست های مشهور پنتاگون است تاکید دارد که برای گسترش دموکراسی و از میان بردن ریشه های تروریسم باید در مرزهای کشورهای خاورمیانه تجدید نظر شود.

انتشار مقاله مزبور و برخی تماسها و آگاهی های ایرانی چند، آنها را متوجه ساخت که برای اجابت نظریه پنتاگون باید دست بکار شوند تا هم از حمایت آمریکا از نظر مادی بهره مند شوند و هم سهمی در احتمالات آینده داشته باشند بر این منوال بسرعتی غیر قابل تصور شورای ملی ایران!! (شورای تجزیه طلبان) تشکیل شد.

به تاریخ انتشار مقاله پنتاگون، همزمانی تشکیل شورای تجزیه طلبان نگاه کنید؛ در خواهید یافت که شورای مزبور به اعتبار مقاله پنتاگون که اصل بر تجزیه ایران است تشکیل شد و ماده ۱۱ آن دقیقاً همان خواست پنتاگون است که در قطعنامه پیاده شده است.

اگر بیادتان باشد در علت سرعت بخشیدن به تشکیل شورای تجزیه طلبان عنوان شد که چون انتخابات ریاست جمهوری نزدیک بود شوراهم در تشکیل به اقدام فوری دست زد، و شوراهم انتخابات را تحریم نکرد و حکم شرکت در آن بوسیله اعلیحضرت داده شد منتها چون مردم رای دادن به سفارت خانه های خارجی را عار و ننگ میدانستند و حکم، هم شرکت در انتخابات بود به شیخ حسن رای دادند درست آنچه که آمریکا خواستار آن بود.

جالب توجه آنکه شیخ حسن و دولت او به پشتیبانی آمریکا در جریان یک کودتای آرام که با شرکت شخصیت های جناح اصلاح طلبان و جنبش سبز و مشارکت شورای تجزیه طلبان و رسانه های گروهی وابسته به

۱ - از آنروز ارتباط مردم با اعلیحضرت قطع می شود که کسانی که در دفتر سیاسی اعلیحضرت به تلفن یا به ایمیل ها پاسخ می دهند یا بسیار بدرفتار و بی نزاکت رفتار میکنند یا اصلاً به مطالب پاسخی نمی دهند. ادب حکم سنتی و تاریخی ایرانیان است که هر پرسشی بی پاسخ نماند. ولی شوربخانه کارمندان دفتر اعلیحضرت و حتا کسانی که در شورای به اصطلاح ملی که در خط تجزیه طلبان قدم می زند این نزاکت و اخلاق را رعایت نمی کنند. ح-ک

صدای آمریکا عملاً بوجود آمده قرار گرفته است؛ که اشاراتی از مراتب این کودتا در تحریرات سابقه آمده است.

اهمیت طرح پنتاگون

اهمیت طرح پنتاگون در تجزیه ایران، تنها در حد اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور ملاحظه کردنی نیست بلکه در اپوزیسیون داخلی هم جریان آن کاملاً مشهود است.

چندی قبل مرکز پژوهشهای مجلس اسلامی جمهوری اسلامی گزارشی به مجلس داد که راه ایجاد امنیت و فراهم کردن امکانات پیشرفت کشور فدراتیو کردن کشور و تقسیم قدرت مرکزی و دادن قوه مجریه و مقننه به مناطق مختلف کشور است (مشروح و متن کامل گزارش مرکز پژوهشهای مجلس اسلامی در تحریر شورای ملی در مسیر اهداف جمهوری اسلامی) درج است.^۲

تقارن زمانی بین گزارش پنتاگون و گزارش مرکز پژوهشهای مجلس و تشکیل شورای تجزیه طلبان از اهمیت گزارش و خواست پنتاگون و هماهنگی بین آنها حکایت روشنی دارد.

در این خیانت بزرگ نقش اعلیحضرت چیست

دخالت بسیار آشکار آنهم در حدی که اصول دموکراسی را زیر پا نهاده است (در یکی از مصاحبه ها که گویا به تصدی همایون مجد انجام گرفت اعلیحضرت فرمودند > اگر قرار باشد که همه نظرات مرا قبول کنند و من صرفاً نظرات خودم را مطرح کنم خلاف اصول دموکراسی رفتار شده است <)

یادم هست در مصاحبه آقای جمشید بزرگمهر با اعلیحضرت بزرگمهر به کرات خطاب به اعلیحضرت میگفت > شورای شما - منشور شما < که بنده غافل هم اعتراض کردم در حالیکه بزرگمهر از باطن و جریان امر خبر داشت و بنده به ظاهر نگاه میکردم.

بر روشنی میبینم که یک سیاست و یک خواست نامشهود است که تمام کاسه و کوزه هارا سر اعلیحضرت که سی و چند سال است که از دخالت در امور اجتناب دارند شکسته میشود؛ علت آنرا اکنون باهم نگاه میکنیم.

ضربان فاینانشیال تایمز

روزنامه فاینانشیال تایمز در چند سال قبل مقاله ای در رابطه با ایران نوشت و در آن اعلام کرد.

> طرفداران سلطنت که خواهان تغییر رژیم کنونی ایران هستند، دلگرم از سرنگونی حکومت صدام حسین در عراق با نئو کنسرواتیوهای بانفوذ مقامات پنتاگون وزارت دفاع آمریکا و گروههای هوادار اسرائیل درواشنگتن دست بکارتشکیل یک جبهه متحده شده اند؛ تحلیلگران سیاسی طرفدار رضاپهلوی، احمد

چلپی رئیس کنگره ملی عراق را نمونه خوبی برای رضا پهلوی و نقش او در ایران پس از فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی میدانند که از سوی چهره های با قدرت و بانفوذ در وزارت و فاع آمریکا حمایت میشود. < روزنامه مزبور طرفداران زیاد رضا پهلوی را در ایران ملات این طرح دانسته است.

حاشیه = یکی از دلایلی که اعلیحضرت یک دفعه شدند رئیس شورا!! این بود که احمد چلپی هم خودش را رئیس کنگره عراق نامید و اجرای طرح پنتاگون نیاز به شخصیت آشنا و مورد توجه مردم دارد. (پایان)

برای ثبت در تاریخ

مقاله فایننشیل تایمز و پی آمد های آن لازم ساخت که با دبیرخانه که آن زمان آقای کامران بیگی آنرا نمایندگی میکرد تماس بگیرم مشروح این گفتگو که در سنگر شماره اول تیرماه سال ۱۳۸۲ آمده نشان از بیحالی دبیرخانه و نیز هم حاکمیت سیاست آمریکا بر دبیرخانه اعلیحضرت میباشد.

دوم - شورا منتظر آمریکا

در مصاحبه جمشید بزرگمهر با اعلیحضرت پرسیده شد که با تشکیل شورای ملی فعالیت شورا چگونه خواهد بود؛ اعلیحضرت فرمودند < باید دید که خارجیان نسبت به شورا چه دیدی خواهند داشت >

بیان اعلیحضرت که یک امر ریشه ای ناشی از توکل و توسل همه جانبه ایشان به خارجیان در مورد ایران است نشان و قرینه صارفه است که همانطور که تشکیل شورای تجزیه طلبان در اجرای طرح پنتاگون بوده حرکت های بعدی شورا هم از قبیل نامه نوشتن به خامنه ای و بیعت ضمنی با او و تصمیم شرکت در انتخابات و بالاخره قبول ریاست شورای تجزیه طلبان و این آخری افتتاح «افق ایران» جزئی از سیاست آمریکا در سلطه بر ایران از طریق انتخابات و فعالیت های مدنی و یارگیری ها و استفاده از جریان مذاکرات اتمی و در نهایت تسلط گروه خاتمی و رفسنجانی و شیخ حسن برگروه اصولگرایان است همین امروز شیخ حسن گفت؛ <وقتی تفنگ و قدرت اقتصادی و رسانه ها دست یکنفر بود خطرناک میشود> یعنی پاسداران که بظاهر با گروه سید علی هستند هدف گرفته شده است.

ادای دین

تصور میشود با آنچه عرض شد ادای دین تحریر قبل شده باشد.

۲- ثقل و جعل

«افق ایران»، در فصل معرفی برنامه ها جوانکی با صدای زنانه <مکش مرگ ما> اصول شورای تجزیه طلبان را توضیح میداد بنده که نسبت به ماده ۱۱ آن حساسیت میهنی دارم و مسائلی را هم مطرح کرده ام فوراً دقتم جلب شد که آن پسرک درباره ماده ۱۱ چه میگوید ایشان خیلی سریع و تند بماده ۱۱ که رسید گفت <اصل ساختار حکومت غیر متمرکز> و رفت سراغ ماده ۱۲ .

اکنون اصل ۱۱ قطعنامه مزبور عینا به اینجا آورده میشود تا خوانندگان این تحریر هم معنای شفاف را بفهمند و هم تطبیق آن با عمل تدلیس و پنهان کردن حقیقت از مردم برایشان آسان گردد.

ماده ۱۱ قطعنامه تجزیه ایران

پذیرش اصل ساختار حکومت مبنی بر تقسیم قدرت میان بخش های مختلف کشور با فراهم نمودن زمینه مشارکت مستقیم مردم مناطق مختلف ایران از طریق ایجاد نهاد های دموکراتیک محلی جهت امور سیاسی (انتخاب مسئولین محلی) اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی محلی خود <

خواننده محترم این تحریر، آیا استفاد از معرفی ماده ۱۱ بوسیله آن جوانک همان است که از ماده ۱۱ قطعنامه استفاد میفرمائید؟ و یا شورا برای ایجاد هاله های جهل و تدلیس به چنین تقلب و جعلی دست انداخته اند.

حاشیه - شادروان آقای رفعتی افشار، استاد زبان انگلیسی دانشکده حقوق کتاب تدریس او (برینیش جاستیس به معنای قضاوت در انگلستان) بود که فصل های مشکلی داشت یک روز استاد از دانشجوی بنام اکبر ع. خواست که فصلی از آن کتاب را بخواند آقای اکبر ع. ایستاد و کتاب را بسرعت خواند ولی فقط واژه های ساده آنرا خواند و از خواندن واژه های حقوقی وسخت و مشکل آن خودداری کرد. استاد رفعتی افشار، که در تهِ کلاس مینشست فریاد کرد <آقا جان چرا گنده هایش را نمیخوانی>

بنده هم میگویم آقا پسر، چرا گنده های ماده ۱۱ قطع نامه را نمیخوانی!؟

گنده بزرگ در ماده ۱۱

گنده بزرگ در ماده ۱۱ همان واژه **پذیرش** است که در اول عبارت ماده ۱۱ قرار داده شده است و در هیچیک از مواد قطعنامه، واژه **پذیرش** بغیر از ماده ۱۱ دیده نمیشود.

پذیرش، یعنی قبول کردن و در اینجا به معنای قبول و پذیرش تجزیه ایران است که از سوی تجزیه طلبان عنوان شده و هدف و خواسته آنهاست، که در ماده ۱۱ بشرح رفته و از طرف امضا کنندگان قطعنامه پذیرفته شده است و در کلامی دیگر درخواست تجزیه طلبان (ایجاب) و امضای ماده ۱۱ بمنزله قبول درخواست تجزیه طلبان است، و قطعنامه یک قرارداد کامل بین امضا کنندگان و تجزیه طلبان در حد و حدود تجزیه و تقسیم قدرت در مناطق مختلفه کشور و در نتیجه تجزیه کشور میباشد.

تنها ماده ای که در قطعنامه مزبور از قوه به فعل در آمده یعنی ارکان ایجاب و قبول آن محقق شده همین ماده ۱۱ است و بقیه مواد تذکره های موجود است که نه ایجاب لازم دارد و نه قبول و اگر گفته شود که قطعنامه مشتمل بر یک ماده است سخن اساسی است.

ممکن است در مقابل این واقعیت، کسانی به ماده اول که حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است استناد کنند. آنان فراموش نکنند، شخصیتی که مدعی است قطعنامه را ایشان نوشته نسبت به استقلال و تمامیت ارضی ایران نظر خاصی دارند و آن اینکه <استقلال در دنیای امروز یک امر رمانتیکی است>.

آیا خواننده محترم هم استقلال و تمامیت ارضی کشور را یک امررمانتکی (افسانه ای) میدانید؟ امیدوارم شما هم به این نتیجه رسیده باشید که قطعنامه مورد بحث فقط درباب یک موضوع تنظیم و امضا شده آنها تجزیه ایران است و ماده اول قطعنامه که صحبت از استقلال و تمامیت ارضی ایران میکند استقلال رمانتیک است که با استقلال واقعی بسیار، بسیار متفاوت است.

حرا قطعنامه تجزیه ایران

بنابر مراتب استدلالی بالاست که گفته میشود: «قطعنامه تجزیه ایران» زیرا در قطعنامه مزبور تنها ماده ای که مبتدا و خبر حقوقی آن تکمیل شده همین ماده ۱۱ است و در تمثیل میتوان گفت که مواد دیگر قطعنامه همانند نقل و نباتی است که در میان آنها دانه زهری پنهان شده است.^۳

علت پیاده شدن ماده ۱۱

اکنون فرصتی پیش آمده تا قدری برگردیم به عقب و یکباردیگر به علت پیاده شدن ماده ۱۱ در قطعنامه رجوع کنیم چراکه در رابطه تدلیس و تقلب و پنهان کاری قابل استناد است.

آقای امید مهر، یکی از افراد شاخص شورا در جلسه حزب مشروطه راجع به ماده ۱۱ قطعنامه چنین توضیح داده است:

«علت اینکه اصل ۱۱ در منشور ملی آمد بعلمت فشارهایی است که از طرف حزب کومله و آقای نوری علا و دیگران وارد شد و بعد این نقطه ضعفی در شورای ملی گردید. علت این بود که چون میدانستیم برخی از این احزاب در اقلیم کردستان ۱۵۰۰۰ نیرو دارند و دوره می بینند و درست روزی که ملت ایران برای آزادی خویش به خیابانها میریزند ممکن است این نیروها از پشت خنجر بزنند و قسمتی از سرزمین زرخیز نیاکان ما را جدا بکنند مامجبور شدیم تن به این کار بدهیم آنها اول قول دادند و بعد نیامدند.....»

(حقیقت در شورای باصطلاح ملی ۳/۳/۲۰۱۳)

کشف حقیقت از اقرار متهم

نظربه اینکه بخشی از این تحریر ناظر بر اثبات تقلب و تدلیس و متقابلا اصرار ناموجه بوجود صداقت و شفافیت است لذا به اتفاق به مراتب زیرنگاه میکنیم.

۱- در اقرار متهم، ماده ۱۱ بعنوان نقطه ضعف معرفی شده است، یعنی موضوعی که در اصالت و مشروعیت قطعنامه، نامرادی و شک و بی اعتباری بوجود آورده است. شورای تجزیه طلبان حقیقت مزبور را منکر است و اعتراضات به ماده ۱۱ را ناوارد میداند و شخص رئیس شورا هم در موج پنهان کاری ها از اعتبار و حیثیت خودشان مایه گذاشته اند.

۳- دیگر گروه های تجزیه طلب، کرد، و آذری و بلوچ و غیره هم مانند حزب دموکرات آذربایجان تمامیت ارضی در گفتارشان دیده میشود ولی نیت و عمل آنان بر چیز دیگری استوار است. ح-ک

۲- متهم اعتراف دارد که فشار حزب کومله، اسماعیل نوری علا و دیگران سبب پیاده ساختن ماده ۱۱ شده است.

امید مهر اقرار دارد که بواسطه فشار نوری علا و دیگران به بر باد دادن استقلال و تمامیت ارضی کشورش در شورا تن داده است. آیا چنین آدمهایی که فشار نوری علا و دیگران را نتوانند تحمل کنند و ناموس و وطنشان را بر باد میدهند آیا لیاقت کار سیاسی دارند؟ یعنی ایشان وقتی کسانی به پشتشان فشار بیاورند خودشان شلوارشان را میکشند پانین (خاک بر سر تو آدمی که کارمند وزارت خارجه جمهوری اسلامی هم بوده ای).

این اعتراف امید مهر ناقض ادعای تحریر قطعنامه شورا بوسیله رئیس شورا ویا سیاق از داخل زندان کشور است.

همین مختصر نشان میدهد که حقیقت امر سخت درهاله های پنهان کاری محافظت میشود و شعار شفافیت برای ستر بیشتر پنهان کاری است.

بشرحی که در گذشته به تکرار آمده (تحریر «حقیقت در شورای به اصطلاح ملی»!) ؛ قطعنامه تجزیه ایران از متعلقات طرح تجزیه کشورهای خاورمیانه است که امروز در صدر برنامه های عملیاتی آمریکا قرار دارد و واژه دیگران در اعتراف متهم دقیقاً همان آمریکا و عوامل آن میباشد، که جرات آشکار کردن آنرا ندارد (در تحریر حقیقت در شورای با اصطلاح ملی کاملاً حقیقت بوجود آمدن شورای تجزیه طلبان و موسس و نگارنده قطعنامه معرفی شده است = تیمرمن- به پیوند زیر نویس نگاه کنید)

۳- اقرار متهم بر این پایه است که ما به اعتبار ۱۵۰۰۰ تفنگچی حزب کوموله ماده ۱۱ راپیاده کردیم ولی آنها نیامدند.

یک مبارزه مدنی بدون خشونت به ۱۵۰۰۰ تفنگچی چه نیازی دارد که به بهای حضور آنها در مبارزه زمینه تجزیه ایران فراهم و امضا شود.

بنابراین اعتراف متهم، وقتی حزب کوموله حاضر به همکاری نشد و بقبول متهم نیامد؛ چرا باید ماده ۱۱ همچنان استوار بماند؟ آن سرزمین زرخیزی که متهم نگران تجزیه آن بوده! چطور فراموش میشود؟

پس به پا داشتن ماده ۱۱ یک تکلیف کلی بوده که مربوط به همان دیگران و سیاست کلی آمریکا در تجزیه کشورهای خاورمیانه و ایران بوده است.

اشارات بالا بدین سبب عنوان شد که نشان داده شود تدریس، پنهان کاری، دروغ و صحنه سازی اهم فعالیت شورای تجزیه طلبان است و یکی از دلایلی که شخص اعلیحضرت را محصور در ریاست شورا نموده اند این است که اعتبار ایشان بتواند به پنهان کاری و کثافتکاری های شورا پوشش دهد که نخواهد داد؛

۴ - <http://1400years.org/AmirFeyz/MasirPenhaneShorayeBestelahMli-AmirFeyz-30Mar2013.pdf> «حقیقت»

آن چیزی نیست که گفته میشود، بلکه آن چیزی است که پنهان نگاه داشته می شود» ح-ک

و برعکس اعتبار شخصی و هویتی اعلیحضرت را خیلی سریع و آشکار برباد خواهد داد که ناظر برباد رفتن آن هستیم.

جبران خلیل جبران (فیلسوف) میگوید > آدم نیکوکار نمیتواند از کارهای بدکاران بری باشد - دستهای پاکیزه از کثافتکاری های انسان های کثیف برکنار نخواهد بود بسا میشود انسان بی گناهی قربانی کسی میشود که جرم و جنایت به او نسبت داده شده است < سعدی هم در گلستان همان توصیه را دارد

اگر برکه ای پر شود از گلاب چو افتد سگی میشود منجلاب

به امید ادامه این گفتار...